

و در باطن وی دعوی خدای سر بر زد گرفت و ترک خوردن کرد چنانکه چنانچه
 و چون در دهان او میگردید و شربت زدها را و میخست به یار به میریخت و بخلق
 او فرو میزد بکنا شتم نامگر چو شیخ خود بخورد هیچ بخورد تا شش سال برین آمد
 و بخد متقیام می نمود و یک سعادت او آن بود که هرگز خود را از من پیشانی نداشت
 و اگر نه این بودی هر دو دان و خط هلاک شدی و من مدت سی و هفت سال است با شما
 بشخ باق شاد مشغول بود و چندین طایبان را دیده ام هیچین مزی که این جماعت است
 کا و در لذت دنیا و نفس خود هیچ میل نداشتند بدین و مدت بیست و پنج سال است
 که در میان درویشان است و بیاد را و خاد مست و دیگر خادمان که پیش ازین بودند
 هیچکس از لفظ او نشنیده باشد که سر چندی بایده را طعام و نه از جامه هرگز
 چیزی که بخت همتا نشسته باشد کسی از زبان او نشنیده باشد که بخوردها کشیده
 هرگز کسی را خفته ندیده و یا کسی گفته و از هیچ آفرین و اطلبه الفقه دران
 مقام را خوردن نمائند تا شش سال بعد از آن بجهت میرفتند و در با خود برده بودند
 من آن بود که میدیدم که عتی این حال را عجب میدادند و در لذت خدای تعالی
 بشک بودند و ایشان را زبان میل داشت تا در راه به پندیدند و بیکان بدانند که چیزی است
 خوردن و آن شبهه دفع کرد و رفتیم و آنچه را شک برخواست و چون بمدینه رسید
 اولاً گفتیم که آنست رسولی صلوات الله علیه و شلم کرده و من میکنم و اگر نه بنحیر و برو
 که پیش ازین در صحبت ما نتوانی بود و عد دوستی حاضر بود گفته زدها را و فها د

درین ایام که از کربلا میگذشت

سه هفته تعیین کرد که در روزی بخون تا بیکه بعد از آن روز که ششم که همدان را
 درویشان بخورند بخور بخورد و از آن وسط خلاص یافت **ابوالحسنات** **علیه السلام**
علیه السلام وی نیز از صاحب شیخ رکن الدین علامه اودا است روزی حضرت
 میفرمودند که ما طاهر که سالک در وقت بخت صورتی از آن میکند آن بخت صورت
 باشد و حق تعالی را از آن صورت مقرر باید داشت اما آنرا بختی باید داشت
 چنانکه موسی علیه السلام از درخت شنید که ای انا الله هر که گوید درخت خلد بود
 کا و شود پس بخت صورتی باید بود و عتقاد باید کرد و دران روز از علی دوستی که
 حاضر بود شیخ فرمودند که مرا مسال واقع علیه دوستی بغایت خوش آمد محبت
 ثباتا عتقاد درویشان که میم حق تعالی مسال بروی یک نوبت بصورت کل
 موجودات بخت کرد بعد از آن وی تشبیه حق و تنزیه او را صورت لفظی حق تعالی
 بر زبان وی میرانده میگفت حق تعالی بخوردی خود را و وی سید که سر را دیدی
 گفت نه خداوند را فرمود که پس اینها که دیدی چه بود گفت آما و افعال و صور
 تو توانهمید من حق تعالی درین سخن وی را نشناخت و این را از وی پرسیدند
 است **امیر سید علی بن شهابان محمد بن محمد بن قاسم** جامع بوده است
 میان علوم ظاهری و باطنی و برادر علوم اهل باطن مصنفات مشهوره است
 چون کتاب اسرار لقطه و شرح اسماء الله و شرح فصول الحکم و شرح فضیله
 فارضیه و غیر آن وی را شیخ شریع الدین محمود بن عبد الله المرزادانی بود اما

۲۷۷